

ترجمه عنوان یک کتاب

کریم امامی

بنده، کریم امامی، مترجم قدیمی، با سابقه، کهنه کار یا هر چه ...، شرمند از ستایش‌های سردبیر فصلنامه "مترجم"، بر آن شدم تا در هر شماره مطلب کوچکی بنویسم در حل و فصل یک مشکل معین در کار ترجمه، با تکیه بر تجربه‌هایی که به مرور ایام کسب کرده‌ام تا شاید جوان‌ترها را به کار آید. جناب خزاعی فر از پیشنهاد استقبال کردند و اینک اولین برگ سبز.

□ عبارت زیر را به فارسی ترجمه کنید:

A Study in Scarlet

عبارت مورد نظر نام کتابی است از نویسنده انگلیسی آرتور کانن دویل (A. Conan Doyle)، خالق شرلوک هولمز (Sherlock Holmes)، که در سال ۱۸۸۷ منتشر شده و اولین داستانی است که کارآگاه شهیر در آن ظاهر می‌شود. مترجمی که اخیراً تمام این کتاب را به فارسی برگردانده از خیر ترجمه دقیق عنوان گذشته و آن را در فارسی "عطش انتقام" نام نهاده. مترجمان دیگری که در معرفی شرلوک هولمز و آفریننده آن مطلبی در مقدمه کتاب‌های خود آورده‌اند، هر کدام عنوان این کتاب را به شکل متفاوتی به فارسی برگردانده‌اند. مترجم "الف" نوشته است "اتاق مطالعه‌ای به رنگ سرخ"، مترجم "ب" نوشته است "اتاق سرخ" و مترجم "ج" "اتود در قرمز لاکه". کدام ترجمه بهتر است؟

□ □ □

در ابتدا عرض کنم که ترجمه عنوان کتاب‌ها و فیلم‌ها و نمایشنامه‌ها، همین طور ابتدا به ساکن، برای کسی که با موضوع کتاب یا فیلم یا نمایشنامه آشنا نباشد از مقولات بسیار دشوار ترجمه محسوب می‌شود و ای بسا به گم شدن مترجم در پس کوچه‌های ابهام منجر گردد. قضیه مترجمی را که در روزگار پیشین عنوان فیلم *The Seventh Seal* اینگمار برگمن را در مجله‌ای به "سگ ماهی هفتم" ترجمه کرد^۱ خوانندگان جوان مجله حتماً به یاد ندارند؛ آن مورد دقیقاً از همین مقوله است.

باری در عبارت مورد نظر مشکل اصلی برای مترجم ناآشنا به فرهنگ آنگلساکسون کشف معنی مناسبی برای *study* است. اگر در کتاب‌های لغت تخصص کنیم جدا از معانی داده شده برای *study* در حالت فعلی (مطالعه کردن، بررسی کردن)، معناهای زیر را در برابر حالت اسمی *study* (مفرد) و *studies* (جمع) می‌یابیم:

○ مطالعه. مثلاً در جمله: *There are no rooms set aside for private study.*

○ مطالعات، تحقیقات (در حالت جمع). مثلاً *Iranian studies* یعنی مطالعات ایرانی یا ایران‌شناسی.

○ بررسی. مثلاً در این جمله: She has made a close study of the subject.

○ اتود (به معنی طراحی اولیه) در نقاشی.

○ تعرین، در موسیقی کلاسیک.

○ اتاق مطالعه؛ اتاق کار.

خب، بعد از study نوبت می‌رسد به scarlet که رنگی است در مایه سرخ. در آوردن معادل دقیق آن در فارسی نیاز به تفحص دارد. فرهنگ انگلیسی آن را این‌گونه توصیف می‌کند: any of various bright reds که به این ترتیب انواع سرخ‌خای تند و آتشی را در انگلیسی می‌توان scarlet خواند.

حالا ببینیم در ترکیب این رنگ با study باید کدام معنی از معانی واژه اخیر را انتخاب کنیم. طبیعی است که اول باید روی اتود مکتب کنیم و بعد احیاناً روی اتاق مطالعه، چون ترکیب سرخ با مطالعه یا بررسی ما را به جایی نمی‌رساند. و از قضا اتود در مایه‌های سرخ وافی به مقصود به نظر می‌رسد، چرا که در نگاه اول می‌تواند عنوان یک تابلو نقاشی باشد، از نوع عنوان‌هایی که نقاشان اروپایی در اواخر قرن نوزدهم بر کارهای خود می‌نهادند، و در نگاه دوم عنوانی است که برای یک داستان جنایی خونین هم بی‌مناسبت نیست، پس نویسنده این سطور به همین تعبیر رأی می‌دهد.

مرحله آخر برای مترجم پُر حوصله یافتن دلیل یا مدرکی است دالّ بر این که انتخابش درست بوده است. مرور کتاب حتماً مفید است و در این مورد به مترجم نشان خواهد داد که آیا قتل، مثلاً در کتابخانه قصر صورت گرفته (آنچنان که در بسیاری از داستان‌های آگاتا کریستی صورت می‌گیرد) و یا این که آیا اساساً اتاق کاری با دیوارهای سرخ در کتاب وجود دارد یا نه. نویسنده این سطور در مرور خود در کتاب *A Study in Scarlet* اتاق سرخ فامی در آن نیافت، ولی در آخر فصل چهارم به گفته‌ای از شولوک هولمز برخورد که او را خوشحال ساخت:

"I might not have gone but for you, and so missed the finest study I ever came across: a study in scarlet, eh? Why shouldn't we use a little art jargon? There is a scarlet thread of murder running through the colourless skein of life . . ."

اگر به خاطر پافشاری تو نبود، ای بسا نمی‌رفتم و از موضوع عالی‌ترین تحقیقی که تا به حال به آن برخورده‌ام محروم می‌ماندم: اتودی در رنگ سرخ. هان چه می‌گوی؟ چرا ما از یک اصطلاح هنری استفاده نکنیم؟ در میان کلاف بیرنگ زندگی رشته سرخ رنگی از قتل و جنایت کشیده شده که ما وظیفه‌مندیم آن را بازکنیم، بیرون بکشیم و تمام آن را، جزء جزء‌اش را، بر ملا کنیم.

ویراستار چاپ جدید کتاب در یادداشتی توضیح می‌دهد که در ابتدا نویسنده می‌خواست نام رمان را *A Tangled Skein* (کلاف سر در گم) بگذارد ولی بعداً پشیمان شده و *A Study in Scarlet* را انتخاب کرده. و یک نکته آخر. در این میان که برای رسیدن به حداکثر دقت در ترجمه داریم متنبه به خشخاش می‌گذاریم، فراموش نکنیم که عنوان کتاب پس از ترجمه باید عبارت قشنگ و پُرکششی باشد که ناشر بپسندد و خواننده را جلب کند. و همین به ما جوازی برای آزادی عمل می‌دهد. ولی عنوان فارسی را هر چه بگذاریم عنوان اصلی و ترجمه دقیق آن را باید در صفحه شناسنامه کتاب درج کنیم. □

۱- آیا ضرورتی دارد که نویسنده این سطور هویت مترجم "ج" را فاش کند؟

۲- مترجمی که تمام کتاب را ترجمه کرده این سطور را چنین به فارسی برگرداند:

اگر بخاطر اصرار تو نبود من به این ماجرای پر هیجان کشیده نمی‌شدم و این چنین فرصت بی‌مانندی را که تاکنون بر سر راهم قرار گرفته بود از دست می‌دادم. به هر تقدیر... عطش انتقام، ترجمه حسینقلی انگالی، انتشارات موج، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۴